



اشاره

روز سه‌شنبه ۲۹ تیرماه ۹۵ فدراسیون ورزش کارگری میزبان نشست‌های سلسله نشست‌های مجله رشد تربیت‌بدنی با عنوان «تحول در نظام برنامه‌ریزی درسی مدارس با محوریت درس تربیت‌بدنی» بود. این نشست با حضور دکتر سیدامیر حسینی مدیرکل ورزش اسبق وزارت آموزش و پرورش و پیش‌کسوت ورزش کشور، دکتر علیرضا رمضانی عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، غلامرضا سراج‌زاده کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درس تربیت‌بدنی و عباس قشمی میمند دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی برگزار شد.

سیدامیر حسینی به‌عنوان میزبان جلسه با اشاره به اهمیت مؤلفه‌های ورزش و نقش آن در سلامت دانش‌آموزان، فعالیت‌های ورزشی را به‌عنوان یکی از ارکان مهم تربیت عمومی

تحول در نظام برنامه‌ریزی درسی مدارس با محوریت درس تربیت‌بدنی

عباس قشمی میمند

در دوران تربیت رسمی نوجوانان و جوانان هر جامعه‌ای دانست و با اشاره به نتایج تحقیقات علمی که بر مؤلفه‌هایی چون زمان مناسب انجام ورزش، انجام ورزش متناسب با سن نوجوانان، آموزش ورزش‌های مختلف، آگاه ساختن در زمینه تغذیه مناسب پس از انجام ورزش و آگاهی از اهمیت ورزش و نقش آن در تأمین سلامتی روحی و جسمی در آموزش درس تربیت‌بدنی مدارس تأکید می‌ورزند، لزوم تحول و بازنگری در محتوای درسی تربیت‌بدنی با نگاهی سلامت‌محور را مطرح کرد. وی با بیان این مقدمه، از دکتر رمضانی و استاد سراج‌زاده خواست نظرات خود را درباره لزوم تحول در درس تربیت‌بدنی مدارس بیان کنند.

دکتر رمضانی: هدف اصلی برنامه‌ریزان در برنامه‌ریزی درس تربیت‌بدنی مدارس باید سلامت - محوری یعنی تأمین سلامت از طریق فعالیت‌های جسمی باشد، نه قهرمان‌پروری.

وقتی از منظر تاریخی و ظرف یک صد سال گذشته به ورزش کشور نگاه کنیم، به‌خصوص از سال ۱۳۰۶ که ورزش مدارس در ایران شروع شده و همیشه در دوره‌های تحصیلی مختلف ورزش وجود داشته است، می‌بینیم که گاهی رویه به سمت قهرمانی و گاهی به سمت سلامت - محوری گرایش داشته است. برآیند این موضوع نشان می‌دهد که در تمامی این سال‌ها انتظارات برآورده نشده است. به زعم من، این به‌دلیل فقدان برنامه منسجم و هدفمند در سیستم بوده است که این مشکل در اغلب دروس به‌خصوص در درس‌هایی مثل عربی و انگلیسی نیز مشهود است. در پایان



تحصیل، انتظاراتی که از دانش‌آموزان می‌رود، برآورده نمی‌شود. حتی در این قضیه فلسفه وجود این دروس گاهی زیر سؤال رفته است؛ نکته‌ای که هم‌اکنون در سند تحول نظام آموزش مدارس سعی بر رفع آن شده است. بعد از اینکه فارغ‌التحصیلان درس تربیت‌بدنی از دوره‌های عالی دانشگاه به بدنه آموزش و نظام برنامه‌ریزی وارد شدند، کم‌کم مشاهده می‌کنیم که نگاه برنامه‌ریزان به درس تربیت‌بدنی در آموزش مدارس حاکم شده است. اوج این نگاه را در زمان همکاری سازمان پژوهش و بخش تربیت‌بدنی و زمان حضور کارشناسانی چون دکتر آرمون و استاد سراج‌زاده شاهدیم که نگاه برنامه‌های حاکم شده است. از آن به بعد در بخش ورزش، نگاه به سمت سلامتی از طریق فعالیت‌های جسمی گرایش یافته و مواردی مثل تغذیه، نوع رفتارها، گویش‌ها و غیره در برنامه درسی مدارس و آموزش عملی در کتب و نحوه آموزش مربیان دیده شده است. در کنار دستیابی به هدف اصلی - یعنی سلامت - دانش‌آموزان باید در هدفی فرعی بخشی از تکنیک‌های ورزش صحیح را در زندگی خود فرا بگیرند. هدف آموزش تربیت‌بدنی هیچ‌گاه نباید این باشد که از مدارس انتظار داشته باشیم فارغ‌التحصیلانش قهرمان تیم ملی باشند. شاید خلط مبحث مربوط به ترجمه غلط واژه‌های مرتبط با علم ورزشی باشد که به جای physical education (معلم تربیت‌بدنی) واژه (معلم ورزش) Sport Teacher آورده است که نقش مربی تربیت‌بدنی را نقش مربی حرفه‌ای می‌داند. ما در هیچ کجای دنیا چنین چیزی نداریم. حتی در سند تحول شاهدیم که به غلط، سلامت به‌طور اخص وظیفه تربیت‌بدنی دانسته شده و به همین دلیل به رغم توصیه و اصرار متخصصان تربیت‌بدنی و نظر شورای برنامه‌ریزی تربیت‌بدنی و نویسنده اصلی بیانیه سند (دکتر علیرضا رضانی) تربیت‌بدنی متعاقب سلامت آمده که تکرار نوع دیگری از اشتباهات رایج به دلیل دخالت افراد غیرمتخصص در امور تربیت‌بدنی است که امری تخصصی و علمی می‌باشد.

سیدامیر حسینی: شاید مفهومی که ما از ورزش داریم در فرهنگ ما به معنای ورزشدگی در دو ابعاد روحی و جسمی است که با ورزش به معنای Sport با بازی‌های سازمان یافته دارای قوانین و مقررات، متفاوت است و احتمالاً این نوع نگاه به تغییر نگاه ما در رابطه با نقش معلم ورزش منجر شده است.

دکتر رضانی: به هر صورت ما در فرهنگ ورزشی خود مفاهیمی مثل زورخانه داریم و اگر

کسی در خارج از این فرهنگ ترجمه‌های غلط از این واژه کرده باشد، دیگر زورخانه نمی‌شود. به نظر من باید نگاه ما به ورزش، نگاهی فراملی و جهانی باشد. حقایق علمی را نمی‌توان و نباید کتمان کرد و باید ضمن احترام به فرهنگ و ابتکار دیگران، ورزش در ابعاد جهانی را با فرهنگ خود همخوان کنیم ولی حق تغییر ورزش و نگاه بین‌المللی به آن را به شیوه خودمان نداریم.

سیدامیر حسینی: نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی چون آگاهی از مضرات بی‌حرکی بدنی، آموزش ورزش‌های مختلف و آگاه‌سازی در زمینه تغذیه مناسب پس از انجام ورزش، در کتب درسی مدارس از جمله کمبودهایی است که به نظر می‌رسد در بازنگری و تحول نظام برنامه‌ریزی درس تربیت‌بدنی باید بدان توجه شود.

استاد سراج‌زاده: ما در حوزه برنامه‌ریزی درس تربیت‌بدنی پیشرفت کرده‌ایم ولی در حوزه اجرای برنامه درسی طراحی شده با مشکل مواجهیم. بخش تخصصی برنامه درسی تربیت‌بدنی در نظام برنامه‌ریزی درسی تلاش کرد این مؤلفه‌ها را در برنامه در نظر بگیرد اما چون در جامعه ما به برنامه چندان توجهی نمی‌شود، بخش فرهیخته ما خبر از برنامه درسی ندارد و وقتی تحقیق می‌کند با تأثیر گرفتن از برنامه‌ریزی در سایر دروس، به درس تربیت‌بدنی هم می‌نگرد. یکی از دلایلی که نتوانسته‌ایم در تحقیقات مربوط به ورزش موفق شویم این است که برنامه درسی مرتبط با تربیت‌بدنی را خوب نمی‌شناسیم. برنامه درسی خودش یک علم است و اگر تربیت‌بدنی توانسته است به‌عنوان علم تربیت‌بدنی مطرح شود، مدیون برنامه درسی است. اگر به برنامه درسی تربیت‌بدنی در تمامی دوره‌های تحصیلی نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که بخشی از این برنامه در تمامی جهان، تغییرناپذیر و ثابت است؛ یعنی ۱. رویکرد مشخصی برای درس تربیت‌بدنی طرح می‌کنند؛ ۲. براساس همین رویکرد موضوعات آموزشی مشخص می‌شوند؛ ۳. براساس این رویکرد، اهداف آموزشی در دوره‌های مختلف تحصیلی تعیین می‌گردند؛ مثلاً در پایان دوره متوسطه می‌توان از هر یک از فارغ‌التحصیلان انتظار داشت که با آموخته‌هایش طوری زندگی کند که با حرکت، بهداشت و تغذیه مناسب، سلامتی برای او تأمین شود و بتواند این آموخته‌ها را در زندگی خود به کار گیرد. این اتفاق در موضوعات آموزشی دروس ما در برنامه درسی اتفاق افتاده است.

دکتر رضانی:
در کشورهای توسعه یافته که بیشتر به پیشگیری توجه دارند، دو درس در آموزش مهم است: تربیت بدنی و هنر، اما در کشور ما به این دو درس به مثابه وقت تلف کردن نگاه می‌شود



دکتر رضانی

سراج زاده: معلم ما در مدارس بلاتکلیف است؛ زیرا در کشور ما در زمینه موضوعات آموزشی پیش گفته، مثل حرکات بنیادی و آمادگی‌های جسمانی و نتایج آموزشی این حوزه‌ها، هنوز تحقیقات علمی درستی انجام نشده است



سراج زاده

اکنون موضوعات آموزشی در برنامه درسی ما در ۵ محور است؛ ۱. حرکات بنیادی یا پایه که بعداً به مهارت‌های ورزشی تبدیل می‌شود؛ ۲. آمادگی جسمانی که در سراسر دوره‌های تحصیلی وجود دارد؛ ۳. بهداشت و تغذیه در ورزش؛ ۴. ایمنی در ورزش؛ ۵. شناخت رشته‌های ورزشی. دو مقوله حرکات بنیادی و آمادگی جسمانی هم جنبه شناختی دارند و هم جنبه مهارتی؛ یعنی هم معلوماتی برای فهم دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود و هم دانش‌آموزان در حیطات مدرسه به صورت عملی، مهارت لازم را کسب می‌کنند. اما فرق ما با کشورهای دیگر دنیا این است که دیگران از این علم مدرن در عرصه میدان، اجرا و عمل به خوبی استفاده می‌کنند؛ یعنی برای آن‌ها ورزش و سلامتی عمومی بیش از بعد قهرمانی مهم است و ما در کشورمان برعکس عمل می‌کنیم. مثلاً در ایران هنوز آموزش حرکات بنیادی، یعنی جنبه شناختی، بر سایر موضوعات چیره است. بدین سبب، راه‌حل توسعه و تحول درس تربیت‌بدنی در دو محور مطرح می‌شود: ۱. محور تمامی فعالیت‌های مدارس باید درس تربیت‌بدنی باشد؛ ۲. چارت سازمانی تحصیلی باید به طریقی باشد که درس تربیت‌بدنی را محور قرار دهد.

سیدامیر حسینی: واقعیت جامعه ما نشان می‌دهد که بیش از ۴۰ درصد بچه‌های ما دچار چاقی و کم‌ تحرکی هستند و کم‌ تحرکی یکی از دلایل مرگ‌ومیر در ایران است. طبق گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نشان می‌دهد که هزینه‌های درمان در ایران سه برابر کشورهای توسعه یافته است و اگر ما بخواهیم سبک زندگی فعالی را در جامعه ترویج دهیم، به نظر می‌رسد که باید از نظام آموزشی و به خصوص مدارس شروع کنیم. اینکه آیا نظام آموزشی و کتب درسی ما در حال حاضر به چه میزان در این مورد مؤثرند و ما را به اهداف مورد نظر می‌رسانند و آیا نیاز به بازنگری دارند یا نه، جای بحث دارد.

دکتر رضائی: آمار رسمی وزارت بهداشت نشان می‌دهد ۲۷ درصد از دانش‌آموزان ما اضافه‌وزن دارند و اگر ما ۱۲ میلیون دانش‌آموز داشته باشیم، حدود ۳۰ درصد (۴ میلیون) آن‌ها دچار چاقی هستند. آمار دیگر نشان می‌دهد که از هر ده نفر که فوت می‌کنند، ۴ نفر دچار

سکته قلبی بوده‌اند که ناشی از کم‌ تحرکی و ناآگاهی از تغذیه مناسب است. با سرعتی که دنیا و کشور ما توسعه می‌یابد و بدیهی است که متناسب با این تغییر، کتب درسی نیازمند تغییرند و آموزش، نقش اول را در این زمینه باید داشته باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که ده کشور برتر و توسعه یافته دنیا، در حوزه آموزش و پرورش نیز جزء ده کشور برترند. این یعنی اینکه شما به هر میزان در حوزه سلامت، تغذیه و ورزش در مدارس آموزش دهید، در سال‌های آینده نتایج آن را خواهید دید. من در این زمینه با استاد سراج‌زاده موافقم که اکنون در ایران ما با مشکل اجرا مواجه هستیم تا برنامه و شاید برنامه حتی خیلی جلوتر از اجرا باشد. به نظر می‌رسد ما در آموزش و پرورش در حوزه اجرای برنامه‌های درسی به نوعی بن‌بست رسیده‌ایم که در اغلب دروس نتایج مورد انتظار به دست نمی‌آید. مثالی خوب در این زمینه آموزش درس زبان انگلیسی است. به نظر می‌رسد برنامه‌های درسی در زمینه تربیت‌بدنی باید آموزش‌هایی بدهند که در حوزه سلامت به افراد کمک کند. اکنون آمار و تحقیقات رسمی جهانی نشان می‌دهد که ۲۱ درصد از بچه‌های چاق در بزرگسالی نیز چاق هستند و با توجه به آمار ۲۷ درصدی دانش‌آموزان یعنی نیمی از این تعداد در آینده مشکلی برای حوزه درمان خواهند بود. در دنیا کشورهایی مثل حوزه اسکانندیناوی دارای ورزش همگانی بالای ۷۰ درصد هستند و آمار چاقی آن‌ها پایین است و این بدان دلیل است که آموزش درسی در این کشورها به عمل و اجرا منتج شده است اما در آمریکا که یکی از بالاترین آمار چاقی دنیا را دارد، این قضیه برعکس است و جنبه قهرمانی بسیار نمود دارد. بنابراین، هیچ کاری در دنیا به درستی انجام نمی‌شود و هیچ کشوری توسعه نمی‌یابد مگر اینکه آموزش درست اجرا شود. در این مورد به نظر می‌رسد باید در ایران به سیاست‌گذاران یادآوری کنیم که ورزش عمرسوزی نیست. در کشورهای توسعه یافته که بیشتر به پیشگیری توجه دارند، دو درس در آموزش مهم است: تربیت‌بدنی و هنر، اما در کشور ما به این دو درس به مثابه وقت تلف کردن نگاه می‌شود. البته در بخش تربیت‌بدنی سند تحول نظام آموزش، به خوبی به این نکات توجه شده است.

سیدامیر حسینی: در تدوین کتاب‌های درسی لزوم توجه به استانداردها خیلی مهم است و شاید بخش‌های ستادی و اجرایی وزارت آموزش و پرورش در این زمینه نیازمند بازنگری‌هایی باشند.



سید امیر حسینی

خوب هم نیازمند برنامه خوب و معلمی است که این برنامه را به خوبی آموزش دیده باشد و در نهایت تجهیزات و امکاناتی که معلم بتواند به کمک آن‌ها طبق برنامه طراحی شده، به دانش‌آموزان آموزش دهد. اکنون در بخش تربیت‌بدنی ما دارای نیروی انسانی نسبتاً خوبی هستیم اما بی‌برنامگی و در واقع نبود برنامه متناسب اجرایی مشکل بزرگ ماست. به نظر می‌رسد برنامه درسی ما باید به سمتی برود که مهارت‌های زندگی را متناسب با نیازهای زندگی به دانش‌آموزان آموزش دهد که این نکات خوشبختانه در سند دیده شده است.

سید امیر حسینی:
واقعیت جامعه ما نشان می‌دهد که بیش از ۴۰ درصد بچه‌های ما دچار چاقی و کم‌حرکی هستند و کم‌حرکی یکی از دلایل مرگ‌ومیر در ایران است

استاد سراج‌زاده: تدوین سند تحول در نظام آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۰ کار بسیار خوبی است؛ زیرا به نظر می‌رسد که هر نظام سیاسی باید فلسفه آموزش و پرورش متناسب به خود را داشته باشد. در مورد درس تربیت‌بدنی باید عرض کنم که تحول و تغییر زیادی صورت نگرفته بلکه کوشش‌های قبلی براساس فلسفه آموزشی متناسب با جامعه ایران، نظام‌مند شده است. فارغ از هر نتیجه‌ای، در تمامی نظام‌های مدیریتی دنیا اصل بر اجرای برنامه طراحی شده است. الان قریب ۱۰ سال است که برنامه درسی تربیت‌بدنی تدوین شده است ولی در مدارس اجرا نمی‌شود. اگر برنامه درسی طبق سند اجرا شود، جلوی چند آفت گرفته می‌شود: ۱. هزینه ورزش که در مدارس باید به همه دانش‌آموزان اختصاص یابد، خرج یک عده خاص با هدف قهرمانی و رقابت نمی‌شود؛ ۲. از اتلاف وقت کارشناسان که اغلب برای مسابقات صرف می‌شود، جلوگیری به عمل می‌آید؛ ۳. به تحقیقات متناسب با نیازهای تربیت‌بدنی دانش‌آموزان جهت داده می‌شود. نکته پایانی، تأکید بر اینکه ما در حوزه نظری کمبودی نداریم بلکه در حوزه اجرا با مشکل مواجهیم. در آخر تحول در نظام برنامه‌ریزی درس تربیت‌بدنی مدارس الزامی و بایستی نگاه سلامت - محور مورد تأکید قرار گیرد. بهتر است راهبردهایی برای حوزه اجرا اندیشیده شود، در برنامه‌ریزی باید نگاهی جهانی داشت و محلی اقدام کرد و سهم فعالیت‌های بدنی در برنامه‌ریزی درسی و اوقات فراغت دانش‌آموزان تقویت شود.

سید امیر حسینی: با تشکر از حضورتان در این میزگرد!

استاد سراج‌زاده: همه عالمان و فرهیختگان تربیت‌بدنی باید به این قضیه ایمان بیاورند که تربیت‌بدنی، تربیت بدن نیست. در جامعه آمریکا به‌عنوان جامعه‌ای پیشرفته سواد درسی تربیت‌بدنی یک مقوله عام شده است؛ یعنی هر معلمی بر برنامه درسی و نحوه تدریس آن مسلط است. در واقع، خیال نظام آموزشی از حوزه اجرا راحت شده است و در مرحله دوم به تدوین استانداردها رسیده‌اند؛ یعنی شایستگی‌هایی که افراد و مربیان در هر بخش و دوره تحصیلی باید کسب کنند و در اینجا ناظر در مدارس، حوزه اجرا را به دقت زیر نظر دارد و در صورت مشاهده مشکلات و معایب، کلاس ضمن خدمت برای مربیان گذاشته می‌شود. ما هنوز در ایران به این زمینه نرسیده‌ایم و معلم ما در مدارس بلا تکلیف است؛ زیرا در کشور ما در زمینه موضوعات آموزشی پیش‌گفته، مثل حرکات بنیادی و آمادگی‌های جسمانی و نتایج آموزشی این حوزه‌ها، هنوز تحقیقات علمی درستی انجام نشده است. ما هنوز نمی‌دانیم میانگین یادگیری دانش‌آموزان مثلاً در رابطه با آموزش تکنیک «ساعد» در کشور چقدر است و برای آموزش این تکنیک به چند جلسه به لحاظ آموزشی و چه میزان زمان نیاز داریم. الحمدلله با کار خوب کیومرث هاشمی در زمان مسئولیت خود در آموزش و پرورش، تعداد زیادی از دارندگان مدارک دکتری و کارشناسی ارشد تربیت‌بدنی به بدنه آموزشی کشور به‌عنوان مربی اضافه شد. این کار مشکلات را تا حدود زیادی رفع کرد اما چون محور برنامه‌های درسی مدارس، درس تربیت‌بدنی نیست ما در حوزه اجرا با مشکل مواجهیم. مطلب دیگر اینکه همه عالمان و فرهیختگان تربیت‌بدنی باید به این قضیه ایمان بیاورند که تربیت‌بدنی، تربیت بدن نیست بلکه تربیت از طریق بدن است و شاید به همین دلیل باشد که ما در تکنیک‌های ارتقای مهارت‌های اجتماعی، عاطفی و بخش‌های دیگر ضعیف هستیم. مثلاً هنوز نتوانسته‌ایم به دانش‌آموزان در دوره ابتدایی یاد بدهیم که در کارهای گروهی لازم است ایثار داشته باشیم.

سید امیر حسینی: اگر در پایان میزگرد نکته‌ای باشد خوشحال می‌شویم بشنویم.

دکتر رمضان: در همه دوره‌های تحصیلی ما باید با توجه به نیازمندی‌های جامعه، دانش بومی و جهانی و نیز فرهنگ کشورمان، آموزش‌های لازم را طراحی کنیم در وهله بعد بتوانیم برنامه‌های سبک، شناور و عملیاتی که قابلیت اجرا هم داشته باشد برای مدارس طراحی کنیم نه یک سلسله اهداف و برنامه‌های آرمانی و غیر قابل اجرا. وظیفه معلم آموزش است و آموزش